

رویکردی شناختی به بازنمایی رویداد حرکت در زبان هورامی^۱

سید مهدی سجادی^۲

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران

محمد راسخ مهند^۳

استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا

غلامحسین کریمی‌دوستان^۴

استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران

علی افخمی^۵

استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران

چکیده

حرکت، یکی از بنیادی‌ترین تجارب بشر است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این رویداد به‌صورت مفهومی جهانی در همه زبان‌های دنیا بازنمایی شود. بر اساس نظریه الگوهای واژگانی شدگی تالمی (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰)، زبان‌ها به لحاظ بازنمایی رویداد حرکت به دو رده تقسیم می‌شوند: فعل‌بنیاد و تابع‌بنیاد. در زبان‌های فعل‌بنیاد، جزء هسته‌ای رویداد حرکت، یعنی مسیر در فعل و شیوه حرکت در تابع بازنمایی می‌شوند؛ اما در زبان‌های تابع‌بنیاد، عکس این اتفاق می‌افتد. هدف پژوهش حاضر، بررسی جایگاه زبان هورامی در رده‌شناسی دوگانه تالمی است. بدین منظور، ۱۴۰ فعل حرکتی (ساده و غیر ساده) هورامی از طریق مصاحبه با ۲۰ گویشور بومی بالای ۳۰ سال گردآوری و تحلیل شده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که زبان هورامی، رده‌شناسی دوگانه تالمی را به چالش می‌کشد؛ زیرا عناصر معنایی مسیر و شیوه، تقریباً به یک اندازه در ریشه فعل واژگانی می‌شوند؛ به عبارت دیگر، هورامی هم ویژگی زبان‌های فعل‌بنیاد و هم تابع‌بنیاد را دارد؛ لذا نمی‌توان آن را به‌طور قطع در یکی از دو رده پیشنهادی تالمی قرار داد. بهتر است رفتار آن را در بازنمایی رویداد حرکت با توجه به پیوستار برجستگی شیوه (اسلوین، ۲۰۰۴) و پیوستار برجستگی مسیر (ایبارتس - آتونانو، ۲۰۰۴) ارزیابی کرد. به این ترتیب، هورامی در بخش‌های میانی این دو پیوستار قرار می‌گیرد، به علاوه، از آنجا که الگوی (حرکت + مسیر + شیوه) سومین الگوی واژگانی شدگی پربسامد در هورامی است، این زبان، دارای ویژگی زبان‌های دو قطبی (اسلوین، ۲۰۰۴) نیز است.

کلیدواژه‌ها: رویداد حرکت، هورامی، الگوهای واژگانی شدگی، پیوستار برجستگی شیوه، پیوستار برجستگی مسیر، زبان دو قطبی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

m.sadjadi58@yahoo.com

mrasekhmahand@yahoo.com

gh5karimi@ut.ac.ir

aafkahami@ut.ac.ir

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیکی:

۴- پست الکترونیکی:

۵- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

پژوهش‌هایی که در زبان‌شناسی شناختی صورت می‌گیرند، در جستجوی یافتن نحوه سازماندهی مفهومی زبان هستند. در این حوزه، مفهوم رویداد، پایه اولیه ساختار زبان و شناخت انسان تلقی می‌شود (گلدبرگ^۶، ۱۹۹۸). یکی از موضوعات مورد بررسی در معنی‌شناسی به‌طور کلی و معنی‌شناسی شناختی به‌طور خاص، شیوه بازنمایی ساخت‌های رویدادی در زبان‌های مختلف است. یکی از این ساخت‌های رویدادی، رویداد حرکت است. حرکت (M)^۷ تجربه‌ای جهانی و مهم زیستی و یکی از بنیادی‌ترین تجربه‌های بشر است که به‌طور گسترده و مکرر در زندگی انسان و نیازهای ارتباطی وی روی می‌دهد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این رویداد، به‌صورت مفهومی جهانی در همه زبان‌های دنیا بازنمایی شود. در واقع، همه زبان‌ها، فعل‌ها و ابزارهایی برای بازنمایی رویداد حرکت دارند. زبان‌ها، به لحاظ بازنمایی حرکت، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند که موجب می‌شود بر اساس این تفاوت‌ها و شباهت‌ها در رده‌های مختلف قرار گیرند. از دیدگاه تالمی^۸ (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰) که نخستین بار نظریه الگوهای واژگانی‌شدگی^۹ را در تحلیل رویداد حرکت مطرح نمود، زبان‌ها با توجه به نوع بیان رویداد حرکت به دو دسته تقسیم می‌شوند: زبان‌های فعل‌بنیاد^{۱۰} و زبان‌های تابع‌بنیاد^{۱۱}. این تقسیم‌بندی، بر اساس چگونگی بازنمایی اجزای مختلف رویداد حرکت در عناصر زبان است. زبان‌های مختلف برای ساختاربندی حرکت از نظر مفهومی، به‌طور متفاوت عمل می‌کنند. در یک جمله الگوهای خاصی وجود دارند که در آنها سازه‌های معنایی خاصی از طریق سازه‌های نحوی خاصی بازنمایی می‌شوند. چنین الگوهایی، «نگاشت‌های معنا - صورت»^{۱۲} هستند. در رابطه با حرکت، زبان‌های مختلف، از نگاشت‌های معنا - صورت متفاوتی استفاده می‌کنند و بر این اساس، می‌توان آنها را از نظر رده‌شناختی طبقه‌بندی کرد.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود جایگاه زبان هورامی در رده‌شناسی دوگانه تالمی بررسی شود. مسئله اصلی پژوهش این است که هورامی بر اساس نظریه الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰)، دارای چه ویژگی‌های رده‌شناختی است. این پرسش، مبنای رده‌شناسی شناختی زبان‌ها بر اساس چگونگی بازنمایی رویداد حرکت است. بدین منظور، ۱۴۰ فعل حرکتی (ساده و غیر ساده) هورامی از

6. A. Goldberg

7. motion

8. L. Talmy

9. lexicalization patterns

10. verb-framed

11. satellite-framed

12. meaning-form mapping

طریق مصاحبه با ۲۰ گویشور بومی بالای ۳۰ سال گردآوری و تحلیل شده‌اند تا مشخص شود، در این افعال، کدام یک از عناصر معنایی مسیر و شیوه بازنمایی می‌شوند و بر این اساس، هورامی به کدام یک از دو رده پیشنهادی تالمی تعلق دارد. برای انجام گفتگو تلاش شده است بر موقعیت‌ها و بافت‌هایی تمرکز شود که امکان وقوع رویداد حرکت در آنها زیاد باشد. در تحلیل معنای افعال، تنها روی معنای صریح و فیزیکی تمرکز شده است و از پرداختن به معنای استعاری، مجازی و ضمنی خودداری شده است؛ به عبارت دیگر، تنها به نوع واقعی حرکت پرداخته شده است نه نوع مجازی آن.

هورامی، یکی از زبان‌های ایرانی نوشاخه غربی شمالی است که عمدتاً در بخش‌هایی از دو کشور ایران و عراق به آن تکلم می‌شود. گویشوران هورامی در ایران بیشتر در دو استان کردستان و کرمانشاه ساکن هستند (سجادی، ۱۳۹۴: ۳۸، ۴۹ و ۵۰). جمعیت گویشوران این زبان، حدود یک و نیم میلیون نفر برآورد می‌شود (گوئتر^{۱۳}، ۲۰۰۴: ۱۲۱).

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر، نحوه بازنمایی رویداد حرکت در چارچوب نظریه الگوهای واژگانی شدگی تالمی در یکی از زبان‌های ایرانی (هورامی) است؛ بنابراین، در این بخش به پژوهش‌هایی توجه می‌شود که به چگونگی بازنمایی این رویداد و اجزای آن در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی پرداخته‌اند. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، جز در مورد زبان فارسی، تاکنون درباره هیچ کدام از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، غیر از یک مورد، پژوهشی با این موضوع انجام نگرفته است، لذا پژوهش حاضر از این جهت، بدیع می‌نماید.

بابایی (۲۰۱۱)، با بیان نحوه شکل‌گیری فعل مرکب در فارسی، فعل‌های حرکتی فارسی را با در نظر گرفتن رویکرد تالمی به حرکت بررسی و تحلیل نموده است و با ارائه مثال‌هایی، به تقسیم‌بندی افعال بر اساس نحوه بازنمایی اطلاعات مسیر و شیوه پرداخته است. به باور وی، فعل اصلی بیشتر شیوه حرکت را بیان می‌کند و مسیر در بخش غیر هسته‌ای یک بند بیان می‌شود. فیض (۲۰۱۱)، به‌طور مشخص با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان، این موضوع را بررسی نموده است که گویشوران فارسی و انگلیسی، چگونه حرکت و شیوه آن را از طریق مکان در استخراج داستان‌ها و روایات مبتنی بر دو فیلم کوتاه، بیان می‌کنند. هدف مطالعه، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های انگلیسی و فارسی و نیز جایگاه فارسی با توجه به رده‌شناسی دوگانه تالمی، در مقایسه با انگلیسی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فارسی رده‌شناسی مختلط دارد: دارای ویژگی‌های زبان‌های فعل‌بنیاد، تابع‌بنیاد و حتی زبان‌های دارای افعال

ردیفی^{۱۴} است. ازکیا (۱۳۹۰)، در چارچوب الگوهای واژگانی‌شدگی به بررسی الگوی واژگانی‌شدگی زبان فارسی و تعیین رده آن پرداخته است. وی بر این باور است که زبان فارسی، بر اساس پیش‌بینی تالمی، دارای الگوی واژگانی‌شدگی غالب شیوه و حرکت بوده و مانند دیگر زبان‌های هند و اروپایی (غیر از رومیایی) از الگوی واژگانی‌شدگی شیوه و حرکت در واژگانی‌نمودن مفاهیم حرکتی استفاده می‌کند و لذا در رده زبان‌های تابع‌بنیاد جای می‌گیرد. مسگرخویی (۱۳۹۲)، تلاش کرده است تحلیلی معنی‌شناختی از فعل‌های حرکتی زبان فارسی به دست دهد و به این پرسش پاسخ دهد که اجزای مختلف رویداد حرکت از طریق چه الگوهایی در زبان فارسی بازنمایی می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب جزء حرکت با یک واحد معنایی (مسیر یا شیوه) مهم‌ترین الگوی واژگانی‌شدگی در فارسی است. از جمله نتایج دیگر این پژوهش آن است که زبان فارسی، رده‌شناسی دوگانه پیشنهادی تالمی را به چالش می‌کشد و نظریات اصلاحی پژوهشگرانی مانند برمن و اسلوبین^{۱۵} (۱۹۹۴) و ایبارتس - آنتونانو^{۱۶} (۲۰۰۴)، را تأیید می‌کند.

پشتوان (۱۳۹۲)، با استفاده از فیلم‌های کوتاه متحرک^{۱۷} که در آنها شخصیتی شبیه گوجه‌فرنگی مسیرهای عمودی و افقی مختلف را به شیوه‌های گوناگون می‌پیماید، به بررسی چگونگی رمزگذاری دو مؤلفه مسیر و شیوه حرکت، در گفتار روایی کودکان پیش‌دبستانی فارسی‌زبان پرداخته است و این پرسش را به بحث گذاشته است که آیا زبان فارسی، به‌عنوان یکی از زبان‌های هند و اروپایی در رده‌شناسی دوگانه تالمی می‌گنجد یا خیر. نتایج پژوهش وی بیانگر آن است که زبان فارسی، ویژگی‌هایی را که تالمی برای زبان‌های تابع‌بنیاد برشمرده، ندارد و تا آن جا که رمزگذاری مسیر در ستاک فعل یا تابع مد نظر است، زبان فارسی در رده زبان‌های فعل‌بنیاد جای می‌گیرد. حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۳)، به بررسی نموده‌های صوری مقوله دستوری تابع در زبان فارسی و مقولات معنایی که توسط آن بیان می‌شوند، پرداخته‌اند؛ همچنین، عنوان می‌کنند که زبان فارسی از نظر تقسیم‌بندی تالمی می‌تواند در هر دو دسته واقع شود؛ چرا که در برخی موارد، با خصوصیات زبان‌های تابع‌بنیاد سازگاری دارد و در برخی موارد با ویژگی‌های زبان‌های فعل‌بنیاد؛ بنابراین، بهتر است این تقسیم‌بندی دوگانه جای خود را به یک پیوستار دهد که زبان‌های دنیا می‌توانند در آن جای گیرند و حتی در حال حرکت به

14. serial

15. A. R. Berman & D. I. Slobin

16. I. Ibarretxe-Antuñano

17. animated clip

یکی از دو سوی پیوستار باشند. کریمی‌پور و رضایی (۲۰۱۶)، تلاش کرده‌اند رویدادهای حرکتی را در کردی ایلامی از طریق رده‌شناسی دوگانه تالمی ارزیابی کنند. آنها به پیروی از رویکرد برمن و اسلوبین (۱۹۹۴)، در استفاده از «داستان قورباغه»^{۱۸} که راه را برای ارزیابی زبان‌های متعددی برحسب افعال حرکتیشان هموار کرد، از این ابزار استخراجی، برای گردآوری داده‌های خود استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها بیانگر این است که کردی ایلامی به زبان‌های تابع‌بنیاد گرایش نشان می‌دهد؛ زیرا مفهوم مسیر، بیشتر در تابع‌ها بیان می‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد، غیر از یک مورد (کریمی‌پور و رضایی، ۲۰۱۶)، بقیه پژوهش‌هایی که در مورد چگونگی بازنمایی رویداد حرکت در چارچوب نظریه الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی در مورد زبان‌ها و گویش‌های ایرانی انجام گرفته‌اند، مربوط به زبان فارسی هستند. در مورد جایگاه و رده این زبان نیز به لحاظ چگونگی بازنمایی رویداد حرکت در میان پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد. برخی آن را تابع‌بنیاد، بعضی فعل‌بنیاد و تعدادی هم هر دو (تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد) دانسته‌اند.

۲- نظریه الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی

تالمی (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰) به بحث واژگانی‌شدگی می‌پردازد. در الگوهای واژگانی‌شدگی به روابط نظام‌مند بین معنا و صورت روستاختی پرداخته می‌شود؛ به‌طور کلی، فرض بر آن است که هر جا بخش معنایی خاصی در باهم‌آیی منظم با تکواژ خاصی یافت شود، واژگانی‌شدگی وجود دارد. در این میان، انگلیسی و ترکی نمونه‌هایی از زبان‌هایی هستند که چنین مطالعه‌ای روی آنها صورت گرفته است. انگلیسی به‌عنوان زبانی تابع‌بنیاد، جزء هسته‌ای حرکت یعنی مسیر یا جهت^{۱۹} حرکت را در تابع‌ها (برای مثال، up و down) یا در عبارات‌های حرف اضافه (برای نمونه out of/ into the house) بیان می‌کند و رمزگذاری شیوه^{۲۰} حرکت را بر عهده جزء فعلی می‌گذارد. ترکی به‌عنوان زبانی فعل‌بنیاد، به‌طور کلی، مسیر را در فعل اصلی بیان می‌کند و بیان شیوه را به افزوده‌ها واگذار می‌کند (برای مثال girmek 'وارد شدن' و tfikmak 'خارج شدن' مسیر حرکت را نشان می‌دهند).

به موقعیتی متشکل از حرکت و تداوم ایستایی^{۲۱} در یک مکان، رویداد حرکت می‌گویند. رویداد حرکت، شامل شیئی (پیکر) است که حرکت می‌کند یا با توجه به شیء دیگری (شیء مرجع یا زمینه)

18. The Frog Story

19. P(ath)

20. M(anner)

21. stationariness

مکان‌یابی می‌شود. رویداد حرکت، دارای چهار بخش است: افزون بر پیکر و زمینه، مسیر و حرکت هم وجود دارند. مسیر، جهت و راهی است که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید یا جایگاهی که آن را اشغال می‌کند (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۵)؛ بر این اساس، دو نوع حرکت وجود دارد: انتقالی^{۲۲} و وضعی / خوداتکا^{۲۳}. در حرکت انتقالی، جایگاه اصلی پیکر از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر تغییر می‌یابد. در حرکت وضعی، پیکر همان جایگاه اصلی یا معمولش را نگه می‌دارد (تالمی، ۲۰۰۰: ۳۵-۳۶). برای درک بهتر این مفاهیم به جمله (۱) توجه کنید:

1) Harry walked down the stairs.

پیکر: Harry؛ زمینه: the stairs؛ مسیر: با تابع down مشخص شده است؛ حرکت و شیوه آن: در فعل «to walk» رمزگذاری شده است (سیفیوانتس فرز^{۲۴}، ۲۰۰۸: ۲۶). نوع حرکت نیز انتقالی است؛ زیرا جایگاه اصلی پیکر یعنی «Harry» تغییر کرده است.

در نظریه الگوهای واژگانی‌شدگی به‌طور کلی، تنها به ریشه فعل پرداخته می‌شود. در این رابطه، سه نوع واژگانی‌شدگی اساسی به لحاظ رده‌شناختی وجود دارد. یک زبان در بیشتر موارد تنها از یکی از این سه نوع واژگانی‌شدگی برای بیان حرکت استفاده می‌کند (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۷).

الف) حرکت + هم‌رویداد^{۲۵}

فعل، هم‌زمان هم حرکت و هم هم‌رویداد (همواره شیوه یا سبب حرکت) را بیان می‌کند. چنین افعالی، «شیوه‌نما^{۲۶}» نامیده می‌شوند (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۷). در جمله زیر، فعل famaj 'دویدن'^{۲۷} حرکتی است زیرا به نوعی جابه‌جایی اشاره می‌کند. در عین حال، شیوه‌نما است چون چگونگی انجام حرکت «با دویدن» را نشان می‌دهد؛ یعنی هم‌زمان حرکت و شیوه آن را واژگانی کرده است.

2) waxt-ew	ʔema	di, famaj	fame.
نکره- وقتی	ما	دیدیمش	داشت می‌دوید
'وقتی ما دیدیمش، داشت می‌دوید.'			

22. translational

23. self-contained

24. P. Cifuentes Férez

25. co-event

26. manner verb

۲۷- در هورامی مصدر با افزودن پسوندهای «-a/aj» به ستاک گذشته فعل درست می‌شود؛ مانند vat-aj 'گفتن'، gərt-aj 'گرفتن'، san-aj 'خریدن'، wan-aj 'خواندن' (سجادی، ۱۳۹۴: ۴۶).

ب) حرکت + مسیر

در دومین الگوی رده‌شناختی بیان حرکت، ریشه فعل هم‌زمان هم حرکت و هم مسیر را بیان می‌کند. اگر هم‌رویداد شیوه یا سبب در همان جمله بیان شود، باید به صورت سازه‌ای مستقل، معمولاً قیدی یا اسم مصدری، باشد. این افعال «مسیرنما»^{۲۸} خوانده می‌شوند (تالمی، ۲۰۰۰: ۴۹). در جمله زیر، فعل *javaj* 'رسیدن' حرکتی است زیرا نشان می‌دهد که پیکر (ما) متحمل حرکت شده است. این فعل هم‌زمان مسیرنما است چراکه به مسیر حرکت (به سوی زمینه: تهران) اشاره می‌کند؛ یعنی حرکت و مسیر آن را هم‌زمان واژگانی می‌کند.

3) <i>safat</i>	<i>haft-u</i>	<i>fave</i>	<i>javj-me</i>	<i>taran.</i>
ساعت	هشت	شب	رسیدیم	تهران
'ساعت هشت شب به تهران رسیدیم.'				

ج) حرکت + پیکر

در سومین الگوی رده‌شناختی اصلی، برای بیان حرکت، فعل حرکت و پیکر را با هم بیان می‌کند. انگلیسی دارای چندین صورت است که با این الگو منطبق‌اند؛ بنابراین، فعل «(to) rain» به باران در حال حرکت اشاره دارد و فعل «(to) spit» به این نکته اشاره دارد که سبب می‌شود تف حرکت کند، همان‌گونه که در مثال‌های زیر دیده می‌شود (تالمی، ۲۰۰۰: ۵۷). در هورامی (دست کم در پیکره پژوهش حاضر)، فعلی که بیان‌کننده این الگو باشد، یافت نشد.

4) It **rained** in through the bedroom window.

5) I **spit** into the cuspidor.

رده‌شناسی دوگانه تالمی موجب شد تا پژوهش‌های بسیاری درباره رویداد حرکت در زبان‌های مختلف انجام گیرد. بر اساس این پژوهش‌ها، این رده‌شناسی دست‌خوش اصلاحات و تغییراتی شد. با توجه به پژوهش‌های آمکا و اسگبی^{۲۹} (۲۰۱۳)، اسلوبین (۲۰۰۴)، زلاتو و یانگ‌کلانگ (۲۰۰۴) و دیگر پژوهشگران، زبان‌هایی وجود دارند که به‌طور دقیق در رده‌های پیشنهادی تالمی جای نمی‌گیرند؛ زیرا این زبان‌ها، شیوه و مسیر را به یک اندازه در اجزای واژیه نحوی رمزگذاری می‌کنند. در تلاش برای به حساب آوردن چنین گوناگونی‌هایی، مقوله زبان دوقطبی^{۳۰}، یعنی زبانی که در آن هم شیوه و هم مسیر با

28. path verb

29. F. Ameka & J. Essegbey

30. equipollently-framed

صورت‌های دستوری مشابه بازنمایی می‌شوند، از سوی اسلوبین (۲۰۰۴)، پیشنهاد شد. افزون بر این، به نظر می‌رسد نظریه‌الگوهای واژگانی‌شدگی تالمی، این واقعیت را در نظر نمی‌گیرد که زبان‌هایی که در یک رده قرار دارند، درجات مختلفی از شیوه و مسیر را نشان می‌دهند؛ برای نمونه، اسپانیایی و باسکی^{۳۱} زبان‌های فعل‌بنیاد هستند؛ اما میزان برجستگی شیوه و مسیر در آنها کاملاً متفاوت است. باسکی به دلیل داشتن عبارات نمادین آوایی (مانند تکرار) و نام‌آوهای حرکت، شیوه را بیش از اسپانیایی نمایان می‌کند و از این رو، به زبان‌های تابع‌بنیاد نزدیک‌تر است (ایبارتس - آنتونانو، ۲۰۰۴).

هم‌زمان با پیشنهاد پیوستار برجستگی شیوه از سوی اسلوبین (۲۰۰۴)، ایبارتس - آنتونانو (۲۰۰۴) پیوستاری برای برجستگی مسیر ارائه داد. با توجه به این پیشنهاد، زبان‌ها در پیوستاری قرار می‌گیرند که در یک سوی آن، زبان‌های دارای برجستگی حداکثر مسیر و در سوی دیگر آن، زبان‌های دارای برجستگی حداقل مسیر قرار دارند. با توجه به این یافته‌ها، پیشنهاد شد که زبان‌ها در پیوستاری از برجستگی شیوه (اسلوبین، ۲۰۰۴) و برجستگی مسیر (ایبارتس - آنتونانو، ۲۰۰۴) قرار داده شوند.

۳- رویداد حرکت در زبان هورامی

افعال حرکتی پژوهش حاضر، شامل افعال ساده و غیر ساده هستند. رویکرد این پژوهش به افعال غیر ساده برگرفته از دیدگاه ازکیا و دیگران (۱۳۹۴) است. بر اساس این دیدگاه، فعل حرکتی در زبان هورامی به لحاظ ویژگی‌های ساختوازی به دو گروه ساده و غیر ساده تقسیم‌پذیر است. عناصر مفهومی مرتبط با حرکت، این امکان را دارند که به لحاظ مفهومی در یک مجموعه ادغام و واژگانی شوند یا در چند واژه مستقل ظاهر شوند. فعل‌های غیر ساده حرکتی نیز دو گونه‌اند: الف) غیر ساده واژگانی شده که در آنها عناصر مفهومی، در صورت روساختی ادغام شده و امکان جداسازی عناصر روساختی وجود ندارد. نمونه‌هایی از گونه‌های غیر ساده واژگانی شده در هورامی عبارتند از: 'lar karaj' کج کردن (حرکت + شیوه)، 'asaj dʒaj' ترک کردن (حرکت + مسیر). ب) غیر ساده تابع‌دار که در آنها میان سازه غیر فعلی و فعلی، رابطه نحوی برقرار است و سازه غیر فعلی، در جایگاه تابع فعل، نقش‌نمای خود را از دست می‌دهد و به فعل وابسته می‌شود. در این گونه، هر یک از عناصر مفهومی حرکت در فعل غیر ساده به صورت مستقل ظاهر می‌شوند. باز بودن مجموعه یادشده و زیایی آن بر وجود رابطه نحوی میان عناصر روساختی این گونه دلالت دارد. برای نمونه، در فعل‌های 'amaj dʒbar' بیرون آمدن، 'dʒmaj-va' حرکت کردن مداوم، جنبیدن، و 'lvaj-na' فرورفتن، تکواژ آزاد 'dʒbar' بیرون و

وندهای مقید (پسوندهای فعلی) -va 'مداوم' و -na 'فرو' تابع هستند و به ترتیب مسیر، شیوه و مسیر را بازنمایی می‌کنند.

همان‌گونه که در بخش (۱) اشاره شد، پیکره پژوهش متشکل از ۱۴۰ فعل حرکتی ساده و غیر ساده است. برای هر کدام از افعال، تعریف و پاره‌گفتاری ارائه شده که فعل مورد نظر در آن به کار رفته است. در این زمینه، از *Oxford Advanced Learner's Dictionary* در انگلیسی و فرهنگ بزرگ سخن در فارسی به‌عنوان راهنما استفاده شده است. به این صورت که اگر فعلی در هورامی، انگلیسی و فارسی دارای بار معنایی یکسانی بوده باشد، از تعریف آن فعل در یکی از این دو فرهنگ، برای تعریف آن در هورامی نیز استفاده شده است؛ مانند فعل *ʔamaj* 'آمدن' و... اگر فعلی هم دارای بار معنایی ویژه‌ای در هورامی بوده باشد، نگارنده با توجه به کاربرد آن فعل در پاره‌گفتارهای مصاحبه‌شوندگان و نیز شمّ زبانی خود آن را تعریف کرده است؛ مانند *darjajva* 'افتادن'، *gleraj* 'افتادن' و... (سجادی و کریمی‌دوستان، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۹). شاهد مثال‌های هر فعل نیز برگرفته از پاره‌گفتارهای مصاحبه‌شوندگان هستند و بر اساس الفبای آوانویسی بین‌المللی، آوانگاری شده‌اند.

۳-۱- تحلیل داده‌ها

در این بخش، انواع مختلف ادغام‌هایی که در پیکره پژوهش یافت می‌شوند، مشخص و توصیف می‌گردند. هدف این است که مشخص شود چه الگوهای واژگانی‌شدگی (الگوهای ادغام) در هورامی یافت می‌شوند و از میان این الگوها، الگوی غالب کدام است. همان‌گونه که در ادامه می‌آید، در افعال حرکتی هورامی افزون بر دو الگوی واژگانی‌شدگی اصلی تالمی یعنی «حرکت + مسیر» و «حرکت + شیوه»، الگوهای واژگانی‌شدگی دیگری نیز یافت می‌شوند.

افعال حرکتی با در نظر گرفتن (الف) تعداد عناصر معنایی که در هر فعل واژگانی می‌شوند؛ (ب) اطلاعات معنایی که این افعال رمزگذاری می‌کنند و (ج) ساده یا غیر ساده واژگانی شده بودن به لحاظ ویژگی‌های ساختوازی و نیز ادغام و واژگانی شدن عناصر معنایی در یک مجموعه واحد دسته‌بندی می‌شوند. بر اساس تعداد عناصر معنایی، افعال حرکتی در ۳ دسته زیر قرار می‌گیرند:

۱- حرکت

۲- حرکت + ۱ جزء معنایی

۳- حرکت + ۲ جزء معنایی

بر حسب اطلاعات معنایی که افعال حرکتی رمزگذاری می‌کنند، الگوهای زیر در پیکره پژوهش دیده

می‌شوند:

الف) حرکت

در پیکره پژوهش، از افعالی که تنها جزء حرکت را رمزگذاری می‌کنند و اطلاعاتی درباره مسیر، شیوه و دیگر مفاهیم معنایی بیان نمی‌کنند، تنها فعل ساده 'dʒmaj' حرکت کردن، این ویژگی را دارد. این فعل، یک فعل حرکتی عمومی است که هم تغییر وضع (حرکت وضعی) و هم تغییر مکان (حرکت انتقالی) را دربر دارد.

ب) حرکت + مسیر

در این الگوی رده‌شناختی بیان حرکت، فعل هم‌زمان دو عنصر معنایی (حرکت و مسیر) را بازنمایی می‌کند. اگر هم‌رویداد شیوه یا سبب در همان جمله بیان شود، باید به صورت سازه‌ای مستقل، معمولاً قیدی یا اسم مصدری، باشد. افعال حرکتی که این الگو را نشان می‌دهند، عبارتند از:

'ʔamaj' آمدن؛ 'ʔaraj' آوردن؛ 'baraj' بردن؛ 'bərjaj' بپیمودن؛ 'bərjaj' انتقال یافتن؛ (1) 'geʔaj' گشتن (از جایی به جایی رفتن)؛ (2) 'geʔnaj' گرداندن (به گردش درآوردن و تعارف کردن)؛ 'kjasaj' روانه کردن (فرستادن)؛ 'lvaj' رفتن؛ 'mətaj' ریختن؛ 'pəʒgnaj' پخش کردن؛ 'pəʒgaj' پخش شدن؛ (1) 'təlnaj' غلت دادن (از پهلویی به پهلویی دیگر چرخاندن)؛ (2) 'təlnaj' غلتاندن (کسی یا چیزی را در سطحی چرخاندن و به جلو یا عقب بردن)؛ (2) 'təljaj' غلتیدن، غلت خوردن؛ 'traznaj' بیرون کشیدن؛ 'vjaraj' رد شدن؛ 'javaj' رسیدن؛ 'javnaj' رساندن.

افعال غیر ساده واژگانی شده

'ʔasaj dʒaj' ترک کردن؛ 'ʔamaj w lvaj karaj' رفت و آمد (تردد) کردن؛ 'fərnajva' جابه‌جا کردن؛ (2) 'barfaj' در رفتن (خارج شدن از جای اصلی خود)؛ 'haʔi bʒaj' تخلیه شدن؛ 'haʔikaraj' تخلیه کردن؛ 'dʒja bʒajva' جدا شدن؛ 'kotf karaj' کوچ کردن؛ 'swar bʒaj' سوار شدن؛ 'swar karaj' سوار کردن؛ (1) 'vasajra' پیاده شدن؛ (2) 'vasajra' فرود آمدن؛ (1) 'vaznajra' پیاده کردن (از وسیله نقلیه)؛ (2) 'vaznajra' پیاده کردن (پایین آوردن)؛ 'zajra' بیرون آمدن/ رفتن.

ج) حرکت + هم‌رویداد (شیوه)

در این الگو، فعل هم‌زمان هم حرکت و هم شیوه را بیان می‌کند. افعال حرکتی بیانگر این الگو، در زیر آمده‌اند:

افعال ساده

ʃalaj 'شلیدن (لنگیدن)؛ (3) getaj 'چرخیدن (به دور خود چرخ زدن؛ چرخیدن)؛ (1) getnaj 'گرداندن (از جایی به جایی بردن؛ گردش دادن)؛ (3) getnaj 'گرداندن (چیزی را به دور خود به حرکت درآوردن)؛ 'dɟraɣnaj 'پیچاندن؛ 'larzaj 'لرزیدن؛ 'maɫaj 'پارو کردن؛ 'ɾamaj 'دویدن؛ 'ɾamnaj 'دواندن؛ 'taknaj 'تکاندن؛ 'χzaj 'لغزیدن'.

جزء فعلی در افعال زیر (افعال غیر ساده متشکل از پیشوند و فعل ساده) حرکت و شیوه را با هم واژگانی می‌کند. مسیر در جزء غیر فعلی یعنی پیشوندهای hor- 'بالا' و bar- 'بیرون' واژگانی شده است. این پیشوندها، با خط تیره (-) از جزء فعلی جدا شده‌اند.

bar-ɾəaj 'بیرون زدن؛ hor-keɫtaj 'بالا کشیدن؛ hor-vəsaɟ 'بالا انداختن.

افعال غیر ساده واژگانی شده

ʔəzɟajra 'دراز کشیدن؛ (2) barɫaj ɾana 'راندن (به حرکت درآوردن وسایل نقلیه؛ حرکت کردن و راه رفتن با وسایل نقلیه)؛ horɾəɳaj 'رقصاندن؛ horɾəaj 'رقصیدن؛ horveɳaj 'واژگون کردن (انداختن کسی یا چیزی به گونه‌ای که سر یا بخش فوقانی آن در زیر قرار گیرد)؛ horveɳajva 'زیر و رو کردن؛ horveɫaj 'واژگون شدن (قرار گرفتن به صورت وارونه)؛ 'dɟmajra 'حرکت کردن (راه افتادن)؛ komnajva 'خم کردن؛ komajva 'خم شدن؛ lar bɟaj 'کج شدن؛ 'lar karɟaj 'کج کردن؛ 'lərnajva 'لرزاندن؛ 'ləɾajva 'تکان خوردن (مداوم)؛ (1) lvaj ɾana 'راه رفتن؛ lvaj 'رفتن؛ (2) ɾana 'راه رفتن (پیاپی روی کردن)؛ manaj dɟaj 'جا ماندن؛ mutɾnajva 'تا کردن؛ niɫtajra 'نشستن؛ 'χəɫnajva 'به گردش (حرکت) درآوردن؛ 'χəɫnajva 'ول گشتن؛ (1) hor(ʔ)esaj 'بلند شدن (از حالت نشسته به حالت قائم درآمدن)؛ (1) hor(ʔ)esajva 'بلند شدن (از حالت نشسته یا خوابیده به حالت قائم درآمدن)؛ (2) hor(ʔ)esajva 'پا شدن'.

غیر از دو مورد، تقریباً همه افعالی که الگوی «حرکت + شیوه» را واژگانی می‌کنند، یا ساده‌اند یا غیر ساده واژگانی شده. در افعال غیر ساده‌ای که این الگو را بازنمایی می‌کنند، تمام اجزای غیر فعلی با فعل، روی هم رفته یک معنی را می‌رسانند؛ یعنی امکان تفکیک بین اجزای فعلی و غیر فعلی وجود ندارد و بنابراین شیوه به ندرت در تابع بازنمایی می‌شود.

در رابطه با پیشوند hor- 'بالا' و دیگر پیشوندها و پسوندهای مسیرنما در افعال شیوه‌نما، باید گفت که این گونه افعال، غیر ساده واژگانی شده‌اند؛ زیرا معنی کل فعل شیوه‌نما از تک تک اجزای فعل به

دست نمی‌آید؛ به‌عنوان نمونه، اگر معنی فعل شیوه‌نمای horpɒaj 'رقصیدن' بر اساس تک‌تک اجزای آن یعنی پیشوند hor- 'بالا' و جزء فعلی pɒaj 'پریدن' که فعلی مسیرنما است، به دست می‌آید، باید به معنی 'بالا پریدن' بود نه 'رقصیدن'. افزون بر این، در مواردی نیز جزء فعلی به تنهایی یعنی بدون این پیشوند، هیچ معنایی ندارد؛ مانند «-veɫaj» در فعل horveɫaj 'واژگون شدن'. این نشان می‌دهد که تقریباً تمام افعال شیوه‌نمای پیکره‌ پژوهش غیر از دو مورد که دارای پسوند هستند (همان‌گونه که در بالا اشاره شد)، به لحاظ ساختاروی غیر ساده‌اند، اما به لحاظ واژگانی کردن عناصر معنایی واژگانی شده‌اند نه تابع‌دار.

د) حرکت + مسیر + شیوه

در این الگو، فعل هم‌زمان سه عنصر معنایی حرکت، مسیر و شیوه را واژگانی می‌کند. این گونه فعل‌ها هم مسیرنما و هم شیوه‌نما هستند؛ از این رو، چنین افعالی را باید مسیر / شیوه‌نما خواند؛ بنابراین، در پیکره افعال حرکتی هورامی افزون بر افعال مسیرنما و شیوه‌نما، دسته سوومی نیز قرار می‌گیرند. این دسته از افعال حرکتی، ویژگی زبان‌های دوقطبی (اسلوبین، ۲۰۰۴: ۲۴۹) را تداعی می‌کنند. افعالی که این عناصر معنایی را بازنمایی می‌کنند، عبارتند از:

افعال ساده

ʃanaɟ 'پرتاب کردن'؛ (2) getaj 'گشتن (در مسیری منحنی یا مدور حرکت کردن؛ دور زدن)؛' gleraj 'افتادن (از حالت ایستاده قائم) به حالت افتاده (افقی) درآمدن (انسان و حیوان) و بر روی زمین افتادن و قرار گرفتن؛ از دست دادن تعادل و افتادن بر روی زمین معمولاً به دلیل برخورد با مانع'؛ keɫaj 'کشیدن'؛ pəɾnaɟ 'پراندن'؛ pɒaj 'پریدن'؛ (1) təlɟaj 'تولولو خوردن'.

افعال غیر ساده واژگانی شده

(1) barɟaj ɾana 'راندن (به رفتن واداشتن)؛' (1) barɟaj 'در رفتن (فرار کردن)؛' barz karɟajva 'بلند کردن'؛ fəɾ daɟ 'پرت کردن'؛ fəɾ dərɟaj 'پرت شدن'؛ hor(ɾ)amaj 'بالا آمدن'؛ (2) hor(ɾ)esaj 'اوج گرفتن'؛ kawtaɟ vaɫe 'جلو افتادن (سبقت گرفتن)؛' lvaj sar 'بالا رفتن'؛ mala karɟaj 'شنا کردن'؛ tʃəknaɟra 'چکاندن'؛ tʃkaɟra 'چکیدن'؛ tar nɟaj 'دنبال (تعقیب) کردن'.

ه) حرکت + مسیر + پیکر

در پیکره، فعلی یافت نشد که بیانگر سوّمین الگوی اصلی واژگانی‌شدگی تالمی یعنی (حرکت + پیکر) باشد. در این الگوی رده‌شناختی اصلی، برای بیان حرکت، فعل حرکت و پیکر را با هم بیان می‌کند.

هرچند تالمی (۲۰۰۰: ۵۷) الگوی «حرکت + پیکر» را سوّمین الگوی رده‌شناختی اصلی برای بیان حرکت می‌داند، در عین حال، معتقد است که دارای کمترین امکان وقوع است (تالمی، ۲۰۰۰: ۶۱). اینکه در پیکره این پژوهش فعلی یافت نشد که این الگو را نشان دهد، می‌تواند تأییدی بر این ادعای وی باشد.

با این حال، افعالی وجود دارند که در آنها پیکر همراه با دیگر عناصر معنایی از جمله مسیر و شیوه واژگانی می‌شود؛ یکی از این موارد، «حرکت + مسیر + پیکر» است مانند:

افعال ساده

varaj 'باریدن' در این فعل، با توجه به تعریف و پاره‌گفتاری که در آن به کار رفته است، پیکر می‌تواند باران، برف یا تگرگ باشد.

افعال غیر ساده واژگانی شده

təf karɨaj 'تف کردن' در این فعل، چون جزء فعلی karɨaj 'کردن' آمده است، باید آن را غیر ساده واژگانی شده دانست؛ زیرا عناصر معنایی حرکت، مسیر و پیکر از طریق دو جزء فعل باهم بازنمایی می‌شوند.

(و) حرکت + شیوه + پیکر

تنها یک فعل، این سه عنصر را بازنمایی می‌کند؛ یعنی فعل غیر ساده واژگانی شده pa dajvana 'پا زدن'.

انواع مختلف ادغام‌هایی که در افعال حرکتی هورامی وجود دارند، در جدول (۱)، آمده‌اند. ادغام‌های فعلی یا الگوهای واژگانی‌شدگی با توجه به تعداد عناصر معنایی دسته‌بندی شده‌اند؛ سپس در هر دسته، بر اساس بسامد وقوع، از پربسامدترین الگوهای واژگانی‌شدگی تا کم‌بسامدترین آنها، مرتب گشته‌اند.

جدول (۱). توزیع معنایی افعال حرکتی هورامی

ردیف	عناصر معنایی	تعداد	درصد
۱	حرکت	۱	٪۰/۷۲
۲	حرکت + شیوه	۳۸	٪۲۷/۱۴
	حرکت + مسیر	۳۴	٪۲۴/۲۸
۳	حرکت + مسیر + شیوه	۲۰	٪۱۴/۲۸
	حرکت + مسیر + پیکر	۲	٪۱/۴۴
	حرکت + شیوه + پیکر	۱	٪۰/۷۲
جمع	۶ الگو	۹۶	٪۶۸/۵۷

۴- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در جدول شماره (۱)، مشاهده می‌شود، از ۱۴۰ فعل حرکتی هورامی، تعداد ۹۶ فعل (۶۸/۵۷٪ کل افعال) واژگانی شده‌اند و ۴۴ فعل (۳۱/۴۳٪ کل افعال) تابع‌دار هستند. در هورامی، شش الگوی واژگانی‌شدگی وجود دارد. الگوهای واژگانی‌شدگی که حرکت و یک جزء معنایی را رمزگذاری می‌کنند، دو الگو هستند و آن جزء معنایی، یا مسیر است یا شیوه. این دو الگو، یعنی (حرکت + شیوه) و (حرکت + مسیر)، به ترتیب پربسامدترین الگوها در میان همه الگوها هستند. الگوهایی که حرکت و دو جزء معنایی را رمزگذاری می‌کنند، سه الگو هستند. آن اجزای معنایی مسیر و شیوه، مسیر و پیکر و شیوه و پیکر هستند. الگوهای واژگانی‌شدگی «حرکت + مسیر + شیوه»، «حرکت + مسیر + پیکر» و «حرکت + شیوه + پیکر» به ترتیب پربسامدترین و کم‌بسامدترین الگوها در میان الگوهایی هستند که حرکت و دو جزء معنایی را رمزگذاری می‌کنند. تنها یک الگوی واژگانی‌شدگی وجود دارد که فقط یک جزء معنایی را بازنمایی کند و آن جزء معنایی حرکت است. الگوی حرکت همراه با الگوی «حرکت + شیوه + پیکر» دارای کمترین بسامد وقوع هستند. به این ترتیب، الگوهای واژگانی‌شدگی در زبان هورامی از پربسامدترین به کم‌بسامدترین آنها عبارتند از: الف) حرکت + شیوه؛ ب) حرکت + مسیر؛ ج) حرکت + مسیر + شیوه؛ د) حرکت + مسیر + پیکر؛ و) حرکت و (حرکت + شیوه + پیکر).

با توجه به جدول (۱)، درصد افعال شیوه‌نما، مسیرنما و مسیر/ شیوه‌نمای هورامی به شرح زیر است:

افعال شیوه‌نما: ۳۸ فعل = ۲۷/۱۴٪

افعال مسیرنما: ۳۴ فعل = ۲۴/۲۸٪

افعال مسیر/ شیوه‌نما: ۲۰ فعل = ۱۴/۲۸٪

بر این اساس، به نظر می‌رسد که رده‌شناسی دوگانه تالمی (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰) مبنی بر تقسیم زبان‌ها به دو رده فعل‌بنیاد و تابع‌بنیاد به چالش کشیده می‌شود؛ زیرا داده‌های هورامی نشان می‌دهند که عناصر معنایی مسیر و شیوه به نسبت بسیار نزدیکی در ریشه فعل، واژگانی می‌شوند و لذا نمی‌توان هورامی را در یکی از دو رده پیشنهادی تالمی قرار داد؛ بنابراین بهتر است رفتار این زبان را در بازنمایی مسیر و شیوه با توجه به پیوستار برجستگی شیوه (اسلوبین، ۲۰۰۴) و پیوستار برجستگی مسیر (ایبارتس - آنتونانو، ۲۰۰۴) ارزیابی کرد. به این ترتیب، هورامی در این دو پیوستار در بخش‌های میانی پیوستارها در کنار زبان‌هایی که مسیر و شیوه را به یک نسبت در ریشه فعل واژگانی می‌کنند، قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، جایگاه هورامی را به لحاظ بازنمایی رویداد حرکت می‌توان تقریباً در میانه پیوستاری در نظر

گرفت که در یک سوی آن، زبان‌های فعل‌بنیاد و در سوی دیگر آن، زبان‌های تابع‌بنیاد قرار دارند.

زبان هورامی

زبان‌های تابع‌بنیاد

زبان‌های فعل‌بنیاد

همچنین، الگوی «حرکت + مسیر + شیوه» سومین الگوی واژگانی شدگی پربسامد در هورامی است.

این نشان می‌دهد که این زبان، دارای ویژگی زبان‌های دوقطبی نیز هست.

منابع

ازکیا، ندا (۱۳۹۰). حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده‌شناختی. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

-----، فرهاد ساسانی و آریتا افراشی (۱۳۹۴). واژگانی شدگی، چارچوبی برای تبیین فعل غیر ساده حرکتی

در زبان فارسی. زبان‌پژوهی، ۷ (۱۴)، ۳۱-۵۷.

انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.

پشتوان، حمیده (۱۳۹۲). بازنمود رویدادهای حرکتی در گفتار روایی کودکان فارسی‌زبان. پایان‌نامه کارشناسی

ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا.

حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۳). بررسی رده‌شناختی مقوله قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی

در زبان فارسی. فصلنامه جستارهای زبانی، ۵ (۱۸)، ۷۱-۸۹.

سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). جنس دستوری در زبان هورامی. مریوان: نه‌وین.

----- و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۳). رویکرد فرازبان معنایی طبیعی: فرض‌ها، مفاهیم و

اهداف. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۲ (۷)، ۹۵-۱۱۳.

مسگرخویی، مریم (۱۳۹۲). بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی. رساله دکتری زبان‌شناسی

همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Ameka, F. K. & J. Essegbey (2013). Serializing Languages: Satellite-framed, Verb-framed or Neither. *Ghana Journal of Linguistics*, 2 (1), 19-38.

Babai, H. (2011). Lexicalization of Motion Event in Persian. *Theory and practice in language studies*, 1 (2), 157-162.

Cifuentes Fe'rez, P. (2008). *Motion in English and Spanish: A Perspective from Cognitive Linguistics, Typology and Psycholinguistics*. PhD Thesis, Spain: Universidad de Murcia.

Feiz, P. (2011). Traveling through Space in Persian and English: A Comparative Analysis of Motion Events in Elicited Narratives. *Language Sciences*, 33 (3), 401-416.

Goldberg, A. (1998). Patterns of Experience in Patterns of Language, In: Michael Tomasello (Eds.). *The New Psychology of Language*, (pp. 203-219).

Lawrence Erlbaum Publications.

- Gunter, M. M. (2004). *Historical Dictionary of the Kurds*. Lanham: Scarecrow press, Inc.
- Hornby, A. S. (1995). *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*. Oxford: Oxford University Press.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2004). Motion Events in Basque Narratives. In: S. Strömquist & L. Verhoeven (Eds.). *Relating Events in Narrative: Typological and Contextual Perspectives in Translation*, (pp. 89-112). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Karimipour, A. & V. Rezai (2016). Typological Analysis of Ilami Kurdish Verbs of Motion: With Focus on the Concept of Path. *DE GRUYTER MOUTON*, 69 (3), 411-435.
- Slobin, D. I. (2004). The Many Ways to Search for a Frog: Linguistic Typology and the Expression of Motion Events. In: S. Strömquist & L. Verhoeven (Eds.). *Relating Events in Narrative: Typological and Contextual Perspectives in Translation*, (pp. 219-257). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Talmy, L. (1985). Lexicalization Patterns: Semantic Structure in Lexical Forms. In: T. Shopen (Ed.). *Language typology and lexical descriptions: Vol. 3, grammatical categories and the lexicon*, (pp. 57-149). Cambridge: Cambridge University Press.
- (2000). *Toward a Cognitive Semantics: Typology and Process in Concept Structuring*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Zlatev, J. & P. Yangklang (2004). A Third Way to Travel: The Place of Thai and Serial Verb Languages in Motion Event Typology. In: S. Strömquist & L. Verhoeven (Eds.). *Relating Events in Narrative: Typological and Contextual Perspectives in Translation*, (pp. 159-190). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.